



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در مواردی است که روزه باطل است ولی فقط قضا دارد دون الکفارة . صاحب عروة در بیان مورد نهم می فرماید : « التاسع : إدخال الماء في الفم للتبريد بمضضة أو غيرها فسبقة و دخل الجوف فإنه يقضى و لا كفارة عليه و كذا لو أدخله عبثا فسبقة و أما لو نسي فابتلعه فلا قضاء عليه أيضا و إن كان أحوط و لا يلحق بالماء غيره على الأقوى و إن كان عبثا كما لا يلحق بالإدخال في الفم الإدخال في الأنف للاستنشاق أو غيره و إن كان أحوط في الأمرين » .

صاحب عروة می فرماید اگر مضمضه به خاطر خنک شدن باشد و اشتباها آب فرو رود و یا اگر به خاطر عبث و بازی این کار را بکند و اشتباها آب فرو رود در هر دو حال روزه اش باطل است ولی کفاره ندارد و فقط باید قضایش را به جا آورد . ما گفتیم که مطابق قاعده نباید روزه اش باطل باشد و حدیث رفع و اصل برائت در اینجا جاری می شود ولی آن تفصیل مذکور در قول صاحب عروة از اخبار اهل بیت استفاده می شود . این مسئله از متفردات امامیه است زیرا در میان اهل سنت ، ابو حنیفه و مالک قائل هستند که روزه مطلقا باطل است و بعضی قائل هستند که مطلقا جایز است .

شیخ طوسی در ج ۲ خلاف ص ۲۱۵ در مسئله ۷۶ از کتاب صوم می فرماید : « اذا تمضمض للصلاة نافلة كانت او فرضا فسبقت الماء الى حلقه لم يفطر و ان تمضمض للتبريد افطر و لو بغير اختيار » بعد ایشان اقوال عامه را نقل می کند و سپس می فرماید : « دليلنا اجماع الفرقه و اخبارنا و روى عن النبى انه قال رفع عن امتي الخطا و النسيان و ما استكروهوا عليه و هذا خطأ » بعد ایشان می فرماید که از تحت این دلیل مواردی که برای تبرید باشد خارج شده است .

سید مرتضی در ص ۶۴ از کتاب الصوم انتصار ( اقوال منحصر به امامیه در آن ذکر شده ) می فرماید : « مما انفرد الامامية ، القول

بأن من تمضمض للطهارة (وضو یا غسل) و وصل الماء إلى جوفه لا شيء عليه و إن فعل ذلك لغیر الطهارة من تبرد بالماء ، عليه القضا خاصة و هذا التفصيل لا يعرفه باقى الفقهاء (از اهل عامه) ، و الحجة فى مذهبنا الاجماع المتكرر ، و يمكن أن يتعلق فى ذلك بقوله تعالى ؛ ما جعل عليكم فى الدين من حرج ، و كل الحرج أن يامرنا بالمضمضه و الاستنشاق فى الصوم و يلزمننا القضا إذا سبق الماء إلى أجوفنا من غير اعتماد و لا يلزم على ذلك التبريد بالمضمضه لأن ذلك مكروه فى الصوم و الامتناع منه أولى فلا حرج عليه فيه » . كلام ایشان در تبرد جاری نیست بلکه در مضمضه برای طهارت جاری است و شاید چون سید مرتضی خبر واحد را حجت نمی داند به كلام الله استدلال کرده .

در کتاب المغنی ابن قدامه در جلد سوم ص ۴۴ كلام ابو حنیفه و غیره ذکر شده است و خودش که حنبلی است مطابق ما فتوی داده است .

صاحب ریاض در جلد ۵ ص ۳۷۹ مواردی که در آن قضا واجب است دون الکفارة را ذکر کرده و در مورد هفتم می فرماید : « ایصال الماء إلى الحلق متعديا لا للصلاة كأن متبردا أو عبثاً ، فعليه القضاء خاصة و إن كان المضمضه لها لا قضاء ، لا خلاف فى هذا التفصيل فى علمائنا » بعد ایشان از انتصار و خلاف و غیره اقوال را نقل می کند .

در جلسه قبل چند خبر از باب ۲۳ از ابواب ما یمسک عنه الصائم را خوانیدم و امروز به بقیه احادیث می پردازیم . عمده دلیل و مهمترین خبر ۴ از این باب ۲۳ بود که دیروز هم آن را خواندیم ، خبر این است : « بِإِسْنَادِهِ (شیخ طوسی) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ فِي حَدِيثٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عَبَثَ بِالْمَاءِ يَتَمَضَّمُ بِهِ مِنْ عَطَشٍ فَدَخَلَ حَلْقَهُ قَالَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ وَإِنْ كَانَ فِي وُضُوءٍ فَلَا بَأْسَ بِهِ » . روات این حدیث ثقہ هستند و عثمان بن عیسی از واقفیه ولی ثقہ است و دلالت این روایت هم واضح است و این روایت که مورد عبث را خارج می کند مقید بسیاری از مطلقات است یعنی آنجایی که می گوید روزه صحیح است در صورتی است که عبث نباشد و روایاتی که می گوید باطل است در جایی که عبث باشد .

ایشان در حاشیه عروه بین نافله و فریضه فرق می گذارد و در نافله قائل به قضا می باشد .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

خبر بعدی خبر ۵ از همین باب می باشد ، خبر این است : « عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَضَّمُ فَيَدْخُلُ فِي حَلْقِهِ الْمَاءَ وَهُوَ صَائِمٌ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِذَا لَمْ يَتَعَمَّدَ ذَلِكَ قُلْتُ فَإِنْ تَمَضَّمُ الثَّانِيَةَ فَدَخَلَ فِي حَلْقِهِ الْمَاءَ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ قُلْتُ فَإِنْ تَمَضَّمُ الثَّلَاثَةَ قَالَ فَقَالَ قَدْ أَسَاءَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَا قَضَاءٌ » . در این روایت هم ماه رمضان ذکر نشده است ، این روایت مطلق است و روایت چهارم اطلاق این روایت را تقیید می کند .

اگر بخواهم خلاصه مطلب را عرض کنم باید بگویم که چند مطلب مهم در اینجا وجود دارد ، و آنچه که در اینجا خیلی مؤثر است قول مشهور و اجماعات است ، مشهور چند کار در اینجا انجام داده اند ؛ اول اینکه در روایات ما فقط وضو ذکر شده است ولی مشهور به غسل هم تعدی کرده اند و این حکم را در آنجا هم جاری می دانند (عروه هم همین را می گوید) . دوم اینکه مشهور از نماز به کل ما بشرط فيه الطهارة تعدی کرده اند مثلاً طواف را هم در نماز داخل کرده اند . سوم اینکه مشهور به آن چیزی که در خبر اول از این باب بود ( که امام بین نماز فریضه و نافله فرق می گذاشت که اگر مضمضه برای نماز واجب باشد و اشتباها فرو رود روزه اش صحیح است ولی در مورد نافله باطل می باشد) تفصیل را نپذیرفته اند و در مطلق طهارت حکم به عدم قضا کرده اند . خوب و اما همانطور که قبلاً عرض کردیم اعراض مشهور موجب کنار گذاشتن این حدیث می شود زیرا بناء عقلاء در خبر واحد این است که خبر واحد موجب اطمینان می شود و اگر مشهور از خبری اعراض کنند موجب می شود که به مضمون خبر اطمینان حاصل نشود از این رو آن خبر که معروض عنه است هر چند صحیح السند باشد باید کنار گذاشته شود و هکذا اگر مشهور به خبر ضعیف عمل کنند موجب اطمینان به مضمون خبر می شود و باید به آن عمل کرد ، البته آیه الله خوئی فقط به سند روایت اعتماد دارد یعنی ایشان اگر سند صحیح باشد به آن عمل می کند هر چند مشهور اعراض کرده باشند و اگر خبر ضعیف باشد به آن عمل نمی کند هر چند مشهور عمل کرده باشد ، از این رو